

اطلس فرهنگی ایران؛ مؤلفه محوری در پیوست‌نگاری و مهندسی فرهنگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۸

مجتبی صمدی *

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۸

علی احمدی **

چکیده

یکی از شیوه‌های تحلیل پدیده‌های فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی تهیه اطلس فرهنگی است. در کشورهای توسعه‌یافته مانند فرانسه، آمریکا، انگلستان و روسیه داده‌های پایه فرهنگی و مردم‌شناختی در مهندسی فرهنگی (کلان) کشورشان به‌طور مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتایج آن در اطلس فرهنگی ارائه می‌شود. به هر حال، هرگونه اقدام و فعالیتی در دایره ارزیابی تأثیرات اجتماعی و یا پیوست‌نگاری فرهنگی و در نگاهی کلان‌تر تدوین چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور مانند تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور، نیازمند خوانشی فرهنگی در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی فرهنگی است که یکی از آن‌ها اطلس فرهنگی می‌باشد.

هدف این تحقیق بررسی تأثیر تدوین اطلس فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و مهندسی فرهنگی کشور است. از این‌رو، سؤال تحقیق این است که شرایط و شاخصه‌های فرهنگ ملی و منطقه‌ای تا چه اندازه می‌تواند در بازنمایی ابعاد مختلف فرهنگ مؤثر باشد و این امر تا چه میزان در چرخه سیاست‌گذاری و مهندسی فرهنگی نقش دارد. همچنین، آیا می‌توان در این زمینه با تدوین اطلس فرهنگی ایران به نتایج مطلوبی در ارائه الگوی مهندسی کشور دست یافت؟ لذا با این پرسش‌ها می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی در نواحی جغرافیای فرهنگی کشور که در نظرگاه هافستد مطرح شده به میان آورد. در این تحقیق بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و سندپژوهشی در کنار فراتحلیل پژوهش‌های ملی و بین‌المللی صورت گرفته، ابعاد و مؤلفه‌های اطلس فرهنگی ایران را که مبنایی برای پیوست‌نگاری‌ها و ارزیابی تأثیرات اجتماعی است، تبیین می‌شود.

این پژوهش با تصویر بایسته‌هایی از آمارها و مطالعات صورت گرفته مانند مطالعات هافستد، گلوب و ...، نشان می‌دهد که توجه به این عناصر می‌تواند، علاوه بر ارائه تعریفی جدید از اطلس فرهنگی، حیطه پیوست‌نگاری و ارزیابی‌های فرهنگی و اجتماعی در ایران را متحول و ابعاد جدیدی را بر آن بگشاید.

واژگان کلیدی: اطلس فرهنگی، جغرافیای فرهنگی ایران، مطالعات هافستد و گلوب، پیوست فرهنگی،

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (:)
samadimahallati@gmail.com
** مدرس دانشگاه و پژوهشگر جغرافیای فرهنگی
a.ahmadi@isu.ac.ir

مقدمه

هر اقدام و فعالیتی در اجتماع، دارای تأثیرات فرهنگی و اجتماعی سازنده و یا مخربی است که گاه بسیار گسترده و پایدار است. به علت غلبه ترجیحات اقتصادی و یا سیاسی، به این تأثیرات توجهی نمی‌شود و در مسیر توسعه جوامع، مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی رخ می‌نماید که دلیل آن بی‌توجهی به آن‌ها تا چند سال گذشته است. در ایران نیز با مثال‌های متعدد و متنوعی که از فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... وجود دارد، خلأ وجود راهکاری که بتواند به درستی و به شکل کاربردی نقش عنصر فرهنگ را در سایر حوزه‌ها و نظامات، اعمال نموده و در هر پروژه و فعالیتی عناصر انسانی، فرهنگی و اجتماعی را در اولویت سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و امور اجرایی قرار دهد؛ به‌طور جدی وجود داشته است و چه‌بسا پس از انقلاب اسلامی نیز این خلأ برطرف نشده است.

با توجه به چنین غفلتی که در سیاست‌گذاری‌های پیشرفت فرهنگی کشور مشاهده می‌شود، ضرورت فرهنگ و پیوست رفتاری آن در تمام سطوح سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها احساس می‌شود و بر همین اساس سیاست‌گذاران فرهنگی نیازمند پیوست‌نگاری فرهنگی در تمامی پروژه‌ها و طرح‌های کشور هستند. پیوست فرهنگی عبارت است از: «فرآیند تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی و آگاه‌سازی در خصوص تأثیرات احتمالی فعالیت یا سیاست جاری پیشنهاد شده بر زندگی، نهادها و منابع فرهنگی. از این طریق، پیوست فرهنگی با هدف کاهش تأثیرات مخرب و افزایش نتایج مثبت، یافته‌ها و نتایج را در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی وارد می‌سازد» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱).

به لحاظ اهمیت شاخص‌های ملی و منطقه‌ای در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی و در سطوح و حیطه‌های مختلف همچون پیوست‌نگاری فرهنگی، در این مقاله ضمن ارائه مفهوم و تعریف مشخص از اطلس فرهنگی، سعی در تبیین ابعاد اثرگذاری مؤلفه‌های اطلس فرهنگی در فرآیند مهندسی فرهنگی می‌باشد. در این رابطه، با

بهره‌گیری از حیطه‌های میان‌رشته‌ای همانند جغرافیای فرهنگی و به عبارتی تعامل جغرافیا و فرهنگ می‌توان ابعاد و شاخص‌هایی را در مسیر تحقیقات علمی ترسیم نمود که مطالعاتی همچون، هافستد و گلوب فقط نمونه‌ای از آن‌ها به شمار می‌آیند. در این تحقیق، ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تعاریف و اصطلاحات تخصصی برای تبیین دایره موضوعی پژوهش تبیین و سپس به ارائه تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری و پیشنهادات اقدام شده است.

۱. سؤالات تحقیق

۱. شرایط و شاخصه‌های فرهنگ ملی و منطقه‌ای و نیز سازمانی تا چه اندازه می‌تواند در چرخه سیاست‌گذاری در ابعاد مختلف مؤثر باشد؟
۲. این شاخصه‌ها چگونه می‌تواند در تدوین و نگارش پیوست‌های فرهنگی و نیز نقشه مهندسی فرهنگی کشور مورد استفاده قرار گیرد؟
۳. با به‌کارگیری مجموعه‌ای از این شاخص‌ها در راستای اهداف یاد شده، آیا می‌توان آن‌ها را در قالب مفهومی تحت عنوان اطلس فرهنگی کشور پیوند زد؟

۲. پیشینه تحقیق

وقتی در میان تحقیقات و پژوهش‌های مختلف کنکاش می‌نماییم، پژوهش‌ها و کتبی با عناوین و موضوعات جغرافیای فرهنگی، و پیوست‌نگاری فرهنگی به موضوع ما مرتبطند که در این میان کتاب **جغرافیای فرهنگی** شومر اسمیت (۱۳۹۲) ترجمه گردیده، رویکردی متفاوت به پیوند جغرافیا و فرهنگ را رقم می‌زند. البته در این میان اثر **اصول و مبانی جغرافیای فرهنگی: با تأکید بر جغرافیای ایران (۱۳۹۵)** که توسط لشکری تفرشی و احمدی به نگارش درآمده است، شاید کوشش جدیدی در این مسیر به شمار بیاید که رویکرد بومی به این عرصه را بیش از پیش مطرح نموده و در این مسیر گام برداشته است.

۱. اطلس‌نگاری و تهیه اطلس

کتاب‌های نوشته شده به دو صورت: (۱) با عنوان اطلس و ۲- با محتوای اطلس و

نقشه و از جنس اطلس موضوعی انتشار یافته است. چنانکه کلیه اطلس‌های فرهنگی شهرها و استان‌ها به مانند اطلس فرهنگی شهر تهران و یا اطلس جامع فرهنگی و هنری استان لرستان (۱۳۹۲) و ... که کم هم نیستند، از این جمله به شمار می‌روند. در اینجا هدف ما بیشتر منطبق با نوع دوم است که خود آن‌ها اطلس محسوب می‌شوند و محتوای آن‌ها شامل نقشه‌ها، متن‌های توصیفی، نمودارها و جداول مربوط به داده‌ها و اطلاعات است. بنابر آنچه بیان شد، این طرح که از منظر جغرافیای فرهنگی به موضوع اطلس فرهنگی می‌پردازد، کاری نو و جدید در کشور به شمار می‌آید.

در اطلس‌های موجود توازنی از نظر استفاده از نقشه‌ها، نمودارها، آمارها، عکس‌ها و متن دیده نمی‌شود. برخی از آن‌ها کاملاً به نقشه متکی هستند؛ برخی به جداول آماری، و برخی نیز فقط توصیف و متن بدون نقشه توجه نشان داده‌اند.

اطلس‌های موجود از نظر ارائه نقاط قوت و ضعف حوزه‌های فرهنگی کشور دارای کمبودهایی هستند. هر یک از نواحی فرهنگی که با اشتراکات فرهنگی مشخص می‌شوند دارای خصوصیات هستند که این خصوصیات مبنای هر گونه برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند. هر کدام از این حوزه‌های فرهنگی قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی دارند و ممکن است در برخی موارد مثلاً ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن نقاط ضعفی داشته باشند. لذا متناسب با هر یک از این فرصت‌ها و تهدیدها، اطلس فرهنگی برای هر یک از آن‌ها برنامه‌هایی در سطوح خرد و کلان سیاست‌گذاری فرهنگی تجویز می‌نماید.

از دیگر عوامل دخیل در این زمینه، کمبود اطلاعات جامع و دقیق است. هر چند هر یک از سازمان‌های فرهنگی و ارتباطی داده‌ها و اطلاعاتی را جمع‌آوری و آن‌ها را در قالب بانک اطلاعاتی ارائه کرده‌اند، لیکن شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد نظر آنان، شناخت جامعی از وضعیت فرهنگی کشور در سطوح مختلف ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی به مدیران و مسئولان فرهنگی به دست نمی‌دهد.

۲. پیشینه و ادبیات پیوست فرهنگی

نخستین رویکردهای ارزیابی تأثیر پروژه به دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. بنگاه‌های توسعه به تدریج این رویکردها را به کار بستند تا پروژه را تصویب و بررسی یا رد کنند. ارزیابی تأثیر زیست محیطی (EIA)، تحلیل هزینه و فایده (CBA)، ارزیابی تأثیر اجتماعی (SIA) و

تحلیل هزینه و فایده اجتماعی (SCBA) از رایج‌ترین این رویکردها هستند (روچ، ۱۳۸۷، ص ۳۹). در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

۱. ارزیابی تأثیر زیست محیطی: در سال ۱۹۹۲ در نشست سازمان ملل متحد، با

محوریت محیط زیست و توسعه، موضوع توجه به مقولات فرهنگی و زیست محیطی به عنوان یکی از فاکتورهای اساسی برای رسیدن به توسعه پایدار، مورد توافق قرار گرفت. از آن زمان، کشورها ملزم شدند تا مقوله‌های زیست محیطی و فرهنگی را در اجرای برنامه‌های توسعه خود، لحاظ نمایند. با این حال، یک تعریف جامع و پذیرفته شده اگرچه در زمینه‌های زیست محیطی به وجود آمده، ولی در حوزه فرهنگی، هنوز اجماعی حاصل نشده است. در موضوع «ارزیابی اثرات فرهنگی» تجارب و روش‌های متعددی به کار گرفته شده، اما تجارب موفقی در این زمینه وجود ندارد و حتی هنوز تعریف مشخصی ارائه نشده است (بنیادی نایینی و محمدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

۲. ارزیابی تأثیر اجتماعی (اتا): «ارزیابی تأثیر اجتماعی» که به اختصار از آن

به نام «اتا» یاد می‌شود، در حدود چهار دهه پیش مطرح شده است. «فرانک ونکلی»^۱ که یکی از فعالان ارزیابی تأثیر اجتماعی در دنیا است، اتا را این‌گونه تعریف می‌کند: «برآورد پیامدهای اجتماعی فرآیند تحلیل (پیش‌بینی، برآورد و بازاندیشی) و مدیریت عواقب خواسته و ناخواسته مداخلات برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) برای محیط انسانی و هرگونه فرآیند تغییر اجتماعی ناشی از این مداخلات، به نحوی که محیط انسانی و زیستی فیزیکی پایدارتر و عادلانه‌تری پدید آورد» (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

اتا در ایران بیشتر به عنوان بخشی غیرمستقل و ضمنی از مطالعات اجتماعی، حضوری کم‌رنگ داشته است. مطالعات اتا ابتدا در میانه دهه ۱۳۷۰ در زمینه ساخت عوارض [پیامدهای] اجتماعی ساخت سدها آغاز شد و وزارت نفت دومین سازمانی بود که تقاضاهایی برای انجام مطالعات اتا مطرح کرد. این مطالعات از ابتدای دهه ۱۳۸۰ قوت گرفت (فاضلی، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

۳. مبانی نظری و طرح مسئله

۱. مفهوم فرهنگ

در سال‌های اخیر، فرهنگ بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته و بسیاری از مباحث جاری جامعه صبغه فرهنگی گرفته است. اغلب، از صفت فرهنگ برای توضیح مجموعه عوامل ناشناخته استفاده می‌شود و این کاربرد اصطلاح فرهنگ بر ابهام معنایی این اصطلاح می‌افزاید (گرانپایه، ۱۳۷۵، ص ۷۷).

«ماتیو آرنولد» از متفکران اهل ادب انگلیس به جنبه آرمانی فرهنگ و شکل‌گیری آن از مجموعه ارزش‌ها توجه دارد. از دیدگاه وی فرهنگ، عبارت است از: «جستجوی کمال مطلق، به یاری قرار گرفتن بهترین اندیشه‌ها و گفته‌ها در باب مطالبی که بیش‌ترین ارتباط را با ما دارد» (جانسون، ۱۳۷۸، ص ۱۲). آرنولد مفهوم فرهنگ را به عنوان اصلی که بر همه فعالیت‌های جامعه نظارت دارد معرفی می‌کند.

با انتخاب دیدگاه حداکثری در مورد فرهنگ، می‌توان فرهنگ را به «دیدگاه کلیت هم‌تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و فعالیت‌های اجتماعی به عنوان بخش ذهنی فرهنگ؛ و به تمدن به عنوان بخش عینی آن» تعریف کرد (حبیبی، ۱۳۷۸، ص ۵).

بنابراین تعریف، مهم‌ترین ارکان واژه فرهنگ موارد ذیل می‌باشد:

الف. تعریف حداکثری از فرهنگ: در این تعریف علاوه بر داخل دانستن تمدن در فرهنگ، به بخش ذهنی فرهنگ نیز نگاه حداکثری شده و آن را در بالاترین حد از تعامل با عوامل دیگر فرض کرده‌ایم؛

ب. نگاه سیستمی به فرهنگ: در این تعریف فرهنگ، کلیت هم‌تافته‌ای است که اجزای آن با یکدیگر ارتباط سیستمی دارند. بنابراین اگر فرهنگ را یک سیستم بدانیم؛ مهندسی فرهنگ، مهندسی سیستم فرهنگ است بدان‌معنا که برای مهندسی فرهنگی لازم است اجزای فرهنگ را در جای خودشان قرار دهیم و تعامل آن‌ها را به خوبی با هم برقرار کنیم.

۲. مفهوم پیوست فرهنگی

اندیشه پیوست فرهنگی که در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۷ در رهنمودهای مقام معظم رهبری خطاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد بدین معناست که طرح‌ها و

سیاست‌های مهم اجرایی در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عمرانی و... باید پیوست فرهنگی داشته باشند. برای شناخت ابعاد اهمیت پیوست فرهنگی، ابتدا باید تلقی جامعی از مفهوم پیوست فرهنگی داشت.

«تأثیرات متقابل هر فعالیت بزرگ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر نظام بهم پیوسته اعتقادات، ارزش‌ها و گرایش‌های مردم یک جامعه که به عنوان هسته مرکزی فرهنگ معروف است، موضوع بحث پیوست فرهنگی است و از آن جهت این موضوع برای ما اهمیت پیدا می‌کند که اراده کرده ایم در سیر تحولات جامعه، رشد مادی و معنوی افراد را توأمان سازیم و رشد اقتصادی و فعالیت‌های سیاسی را به عنوان ابزاری در خدمت ارتقاء اخلاق، معنویت و فراهم کردن شرایط محیط برای تکامل انسانیت افراد جامعه قرار دهیم» (بنیانیان، ۱۳۸۷، ص ۵) تحقق پیوست فرهنگی مستلزم وجود شناخت کافی از:

الف: مفهوم جامع فرهنگ، فرآیند فرهنگسازي و فرهنگ‌پذیری افراد، فرآیندهای تغییر و تحول فرهنگی در جوامع.

ب: درک جامع الاطرافی از چگونگی تأثیر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جامعه بر مسائل فرهنگی جامعه.

ج: شناخت تأثیرات مثبت و منفی فرهنگ عمومی جامعه موجود در میزان موفقیت و پیشرفت، سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مختلفی است که برای حل معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اعمال می‌شود.

د: داشتن تحلیل جامع از معضلات ساختاری نظام‌های موجود، که از طریق سازمان‌های مختلف در مسیر سرعت پیشرفت جامعه مانع تراشی می‌کنند (بنیانیان، ۱۳۸۷، ص ۶).

در سند مطالعاتی پیوست فرهنگی باید به پنج سؤال کلیدی پاسخ داده شود:

۱. چه فرصت‌هایی در نظام اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری جامعه (فرهنگ) وجود دارند که می‌توانند برای تحقق بهتر و افزایش آثار و برکات اجرای سیاست یا طرح مربوطه به کار گرفته شوند؟
۲. موانع فرهنگی موجود در جامعه که مانع اجرای موفق آن طرح یا سیاست هستند و هزینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی آن را افزایش می‌دهند، کدامند؟
۳. اجرای این سیاست یا طرح در طول اجرا و پس از بهره‌برداری، چه آثار و برکاتی

- در بهبود فرهنگ جامعه خواهد داشت و آن را چگونه می‌توان افزایش داد؟
۴. در اجرای این سیاست یا طرح در طول اجرا و پس از بهره‌برداری، احتمال ایجاد چه آثار و پیامدهای مخرب فرهنگی وجود دارد؟ و چگونه می‌توان آن‌ها را حذف کرد یا کاهش داد؟
۵. راهکارهای عملی برای تقویت آثار مثبت و حذف پیامدهای مخرب احتمالی برای این طرح یا سیاست خاص چیست؟ (بنیانیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰).

۳. مفهوم اطلس فرهنگی

اولین مواجهه اصلی با موضوع پژوهش حاضر، پاسخگویی و تعریف اصطلاحی اطلس است. اطلس «مجموعه نقشه‌هایی است که در موضوعات و مباحث مختلف تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی، و ... تهیه می‌شود».

در میان کارهای پژوهشی که با عناوینی چون اطلس، راجع به موضوعات فرهنگی مورد نگارش قرار گرفته‌اند، نمونه‌های متفاوتی را می‌توان مشاهده کرد، هر چند بسیاری از آن‌ها ویژگی‌هایی که در این پژوهش برای اطلس فرهنگی و ضرورت‌های آن مدنظر است را شامل نمی‌شود، با این حال به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود تا شاید بتوان در تبیین خطوط متمایزکننده این تعریف با سایر دسته‌بندی‌ها مؤثر باشد و تفاوت نوع نگاه موجود به اطلس فرهنگی با معنای مورد نظر محقق را به خوبی مشخص سازد:

(۱) *اطلس فرهنگی شیعه*: این کتاب که توسط حجت الاسلام رسول جعفریان در ۷۴۳ صفحه و در ۱۲ فصل تألیف گردیده است، بر دو شاخص مناطق جغرافیایی شیعه و عنصر زمان متمرکز شده است. لذا در سه مرحله این شاخص‌ها را مورد استفاده قرار داده است: اول تهیه متن و گزارش تاریخی از حضور شیعه در ناحیه مورد نظر جغرافیایی، دوم ترسیم نقشه برای نشان دادن موقعیت تقریبی آن منطقه و سوم، ایجاد جداولی برای معرفی خاندان‌ها و سلسله‌ها و ...

(۲) *پروژه اطلس مرکز مطالعات اسلامی آکسفورد*: این پروژه در صدد آن است تا به خلق یک سری اطلس‌هایی که تاریخ تحولات اجتماعی و فکری جهان اسلام را ترسیم می‌نماید، دست زند تا در هفت مجلد از سوی انستیتوت داندشگاه آکسفورد به چاپ برسد. در این پژوهش بیش از ۵۰۰ شخصیت از ظهور اسلام در منطقه تا دهه‌های اول

قرن بیستم فهرست شده است که نقشه‌های کاملی از مسافرت‌های آنان، اقامتگاه‌ها و محل تحصیلاتشان ترسیم می‌گردد.

۳) اطلس فرهنگی شهر تهران (شورای فرهنگ و هنر): این اطلس که در سال ۱۳۵۵ از سوی شورای فرهنگ و هنر منتشر گردیده است سعی کرده تا امکانات و پدیده‌های فرهنگی شهر تهران را در قالب یک نقشه احصاء و نمودار نماید.

در میان ادبیات نظری موجود همواره از اطلس به عنوان یک ابزار یاد می‌شود، چرا که بیشتر از آن برای ترسیم توزیع امکانات فرهنگی در سطح یک منطقه جغرافیایی و میزان عادلانه بودن یا نبودن این توزیع، آن را مورد استفاده قرار می‌دهند (کوثری و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۱). حال، با چنین رویکردی است که مؤلفه‌های زیر جهت تهیه اطلس فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد:

- عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی (مادی و معنوی) مورد نظر، تعیین شود؛ (what)
- دوره زمانی مشخص گردد. چون در دوره‌های مختلف ظهور و توجه به مؤلفه‌های فرهنگی ممکن است دارای فراز و نشیب باشد (When)
- محدوده‌های مکانی مورد مطالعه برای اطلس فرهنگی کشور همچون استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرها و... مشخص گردد. (where) نواحی فرهنگی بر اساس یک وجه تمایز و مشخصه که با سایر مناطق و نواحی کشور از نظر فرهنگی متمایز است، مشخص و بر اساس مشترکات فرهنگی آن‌ها اطلس آن‌ها تهیه شود. در واقع با این کار می‌توان پهنه‌بندی فرهنگی کشور را انجام داد. مثل زبان گفتاری مشترک (احمدی، ۱۳۹۱).

با توجه به تبیینی که پیرامون اطلس فرهنگی وجود دارد، می‌توان انواعی برای آن برشمرد، از جمله:

- مبتنی بر عناصر فرهنگی نقشه‌های فرهنگی؛ مثلاً نقشه زبان گفتاری، نقشه کتابخانه‌ها و نقشه‌های آثار باستانی و ...
- مبتنی بر موضوع؛ همچون موضوعات تاریخی و دینی بویژه تاریخ اسلام. این‌گونه اطلس‌ها بر اساس مستندات، مدارک و آثار مرتبط با تاریخ در ساختار زمانی و مکانی طبقه‌بندی و پردازش می‌شوند. به عنوان مثال از «اطلس تاریخ

اسلام» اثر حسین مونس می‌توان یاد کرد که هنوز از اعتبار و جایگاه قابل قبولی برخوردار است (همان، ۱۳۹۱).

علاوه بر این دسته‌بندی، مراکز و مؤسسه‌های نیز امروزه ایجاد شده‌اند تا نحوه ارائه داده‌های خود را به صورت دیجیتالی در قالبی مناسب و پویا ارائه نمایند. به عنوان مثال می‌توان به **گام نخست اطلس فرهنگی الکترونیک**^۲ اشاره نمود. این مطالعه نخستین بار در سال ۱۹۹۷ توسط «امریتوس پروف» ایجاد شده است. این تلاش توانسته اساتید و مؤسسات بی‌شماری را در پیرامون جهان با هدف ایجاد یک شبکه اطلس‌های دیجیتالی از طریق ایجاد ابزارها و استانداردهایی برای نقشه‌های دیجیتالی پویا درگیر نماید (Wikipedia, ۲۰۱۲).

۴. دین، ارتباطات و اطلس فرهنگی

انسان به عنوان خلیفه ... در روی زمین مستقر شد تا به بندگی ذات اقدس الهی بپردازد، و دین الهی را در زمین گسترش دهد. برای نشر و تبلیغ دین، سیر در آفاق و شناخت انسان‌ها و اجتماعات امری ضروری و بایسته در شکل‌گیری و شناخت انسان از خودش و سیر و تعالی او محسوب می‌شود. تنوع و تکثر در زمین از نشانه‌های الهی است که انسان باید از آن‌ها عبرت بگیرد و بر اساس آن‌ها زندگی خود را سامان دهد. در زمین نقاط بسیاری برای زندگی هست و در مکان‌هایی که انسان در نشر و اقامه دین با موانع مواجه می‌شود، به تعبیر علامه طباطبایی (:): به و سیله مهاجرت به نقطه‌ای دیگر پناهنده می‌شود و آن مانع را از سر راه خود برمی‌دارد و حرکت تبلیغی خود را ادامه می‌دهد.

رابطه وثیق دین به مثابه مقوله‌ای ماورای همه واقعیت‌هایی است که امروزه در قالب ایماژها برای انسان طراحی شده و نشانه‌ها و نمادهای آن در زمین به عنوان مقوله طبیعی باید مورد عنایت قرار گیرد. عالم مادی، بخش جدایی‌ناپذیر از عوالم دیگر است که انسان در آن ساکن است. اگر با این رویکرد نگاه دقیق بیندازیم، اطلس فرهنگی می‌تواند در تولید و ارائه و نمایش عالم مادی که محتوای آن برگرفته از عوالم ماورایی است، کمک کند. این محتوای معنوی را انسان در مکان‌های دینی و مقدس وارد و تزریق کرده

است. از طرف دیگر اطلس فرهنگی قادر است تا شناخت مناسبی را مبتنی بر نوع نگرش‌های انسانی در پیوند با جغرافیا فراهم سازد و خود زمینه‌ساز ارتباط میان فرهنگ‌ها باشد تا تعالی بخشی ارزش‌های بشری مبتنی بر تعالیم توحیدی را میسر سازد. چنانکه امر تبلیغ و دعوت اسلامی، مسیحی و یهودی (ابراهیمی) در پیاده‌سازی خویش این بستر و بایسته را تا حدودی مورد توجه قرار داده است و این امر تا بدانجا پیش رفته که جهت فراهم نمودن گفتگوهای درون مذاهب و یا ادیان توجه به چنین شاخصه‌هایی از اصول ابتدایی و تعیین‌کننده به شمار می‌رفته است.

بنابراین اطلس فرهنگی مقوله‌ای است که در ارتباط با حوزه دین قرار دارد. بدین‌نحو که ارزش‌ها، باورها، اعتقادات مردم هر منطقه و ناحیه‌ای را می‌توان در اطلس‌ها در نظر گرفت و عناصر دینی و فرهنگی مردم را در قالب نقشه‌های دینی و مذهبی نمایش داد. اطلس دینی دارای مضامین مادی و غیرمادی هستند که باورها و اعتقادات را به خوبی بازگو می‌کنند. چشم‌اندازهای فرهنگی و نمادهای مذهبی به‌کاررفته در آن‌ها می‌تواند ارتباط وثیق دین و فرهنگ را با اطلس بیان نماید.

بنابراین، برای شناخت جامع از هویت دینی و فرهنگی مردم نواحی و حوزه‌های فرهنگی کشور، استفاده از اطلس دینی و فرهنگی که اطلاعات دقیق و قابل توجهی از نوع ارزش‌ها، باورها و اعتقادات و نگرش‌های آنان به‌دست می‌دهد، غیرقابل انکار می‌باشد.

۵. از اطلس‌های موجود تا اطلس فرهنگی

نوع نگاه‌های سازمان‌ها و ارگان‌های فرهنگی به موضوع اطلس فرهنگی را نمی‌توان یکسان تلقی کرد. چون اطلس‌های تولید شده در کشور حکایت از تفاوت در محتوا و روش تهیه آن‌ها دارد. در میان پژوهش‌های علمی که با عنوان اطلس نگارش شده‌اند، نمونه‌های متفاوتی را می‌توان مشاهده کرد. اطلس‌های تدوین شده موجود کشور از نظر داده‌ها و اطلاعات جامعیت ندارند و لذا به صورت موضوعی تهیه شده‌اند؛ اما تهیه اطلس فرهنگی با رویکرد جغرافیای فرهنگی و توجه به رابطه محیط و انسان نگاه جدیدی است که در این تحقیق دنبال می‌شود. چون رویکرد سرزمینی و تأکید کل‌نگرانه در جغرافیای فرهنگی تاکنون در کشور وجود نداشته و مکان، محیط، جغرافیا و زندگی

مردم موضوع مورد مطالعه آن‌ها نبوده است. بنابراین رویکرد جغرافیای فرهنگی برای رفع نیازها و مشکلات حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ضرورت تام دارد. شناخت توان‌های انسانی و محیطی سرزمین ایران در جهت اثربخشی و تقویت حوزه‌های فرهنگی کشور برای بالنده شدن و پیشرفت کشور، بهره‌گیری از اطلس فرهنگی را ضروری ساخته است.

۶. جای خالی یک اطلس فرهنگی

با تأکیدی که از سوی رهبران انقلاب اسلامی در مورد فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی بیان شده است، طرح موضوع فرهنگ در اولویت کاری نهادها و سازمان‌های مختلف فرهنگی بویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ... قرار گرفته و تاکنون برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های این نهادها دنبال شده است. در این زمینه طرح‌ها و بررسی‌های متعددی در حوزه مسائل فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور به اجرا گذاشته شده؛ لیکن در این طرح‌ها چه به صورت پراکنده و چه در قالب برنامه‌های پنج‌ساله، جمع‌بندی مدون و روشنی از مبانی، اهداف و نتایج این اقدامات در دست نیست (مصوبات شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۷۷/۱۱/۲۶).

تاکنون اطلس‌های فرهنگی ارائه شده با هدف سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی تدوین نشده و فقط به توصیف واقعیت‌های موجود بسنده کرده‌اند و تحلیل و تبیینی برای بهبود وضعیت فرهنگی آینده ارائه نکرده‌اند.

آنچه که تاکنون در کشور رخ داده است نشانگر این واقعیت است که برای شناسایی و تقویت سنت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی برای توسعه تلاش سنجیده و سیستماتیکی انجام نشده است. در عین حال برخی از عناصر فرهنگی موافق ایجاد توسعه و برخی مانع ایجاد توسعه‌اند و تنها پس از مطالعه روشمند و دقیق در زمینه عناصر فرهنگی مناسب برای توسعه باید دست به تدوین و ارائه الگوی فرهنگی مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و هنجارهای خودی نمود (زارع، ۱۳۸۲، ص ۸).

با چنین شرایطی، برای رفع هرگونه ابهام در داده‌ها و اطلاعات فرهنگی، ضرورت توجه به ایجاد لایه‌های اطلاعاتی روزآمد و بانک اطلاعاتی در شکل «اطلس فرهنگی» ضرورت پیدا می‌کند.

۷. روش تحقیق

روش اصلی در این پژوهش مطالعه کتابخانه‌ای و سندپژوهی بوده که استخوان‌بندی کنکاشگرانه آن را تشکیل می‌دهد اما به فراخور بررسی طرح‌های پژوهشی احصا شده در این مقاله، محققان فراتحلیل را نیز به خدمت گرفته‌اند. فراتحلیل در زمره مهم‌ترین و روزآمدترین رویکردها و یا روش‌های علمی است که به شکل متمایزی از روش‌های سنتی امکان تلخیص، ادغام، ترکیب (سنتز) و تفسیر داده‌ها، شواهد و نتایج پژوهش‌های کمی و کیفی و حتی بسط و گسترش نظریه‌ها و مدل‌های مفهومی را در بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی از جمله علوم اجتماعی و رفتاری فراهم می‌کند (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹، ص ۸).

در فراتحلیل، ادبیات موضوع از منابع مکتوب مورد بررسی نظام مند قرار می‌گیرد تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر روی متغیر دیگر چقدر است. این روش مشابه تحقیقات میان بخشی است که در آن موضوع مورد مطالعه به جای افراد، نتایج تحقیقات است. با این تفاوت که شرایط مطالعه در این جا د شوارتر است (قربانی‌زاده و نانگیر، ۱۳۹۲، ص ۲۵). بر همین اساس، پس از انتخاب هدفمند گزیده‌ای از پژوهش‌ها، اطلاعات به دست آمده را تبدیل به ورودی‌های جدید نموده و با نگاه به آن‌ها به عنوان داده، به مسئله‌های تازه‌ای دست یافته و در نتیجه مطالعه جدیدی شکل می‌یابد (Jupp, ۲۰۰۶, p. ۱۷۲). در طرح حاضر پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع اطلس فرهنگی مورد جستجو قرار گرفت.

ذکر این نکته ضروری است که این روش می‌تواند هر دو نوع مطالعات کمی و کیفی را مورد استفاده قرار دهد (Jupp, ۲۰۰۶, p. ۱۷۲). گل‌سزیو و همکارانش (Glasziou et al., ۲۰۰۱) چهار مرحله را برای فراتحلیل برشمردند: اول تدوین سؤال، دوم یافتن مطالعات، سوم ارزیابی و انتخاب مطالعات، چهارم خلاصه کردن و در هم آمیختن مطالعات

مربوط، ضمن آنکه با توجه به سؤال تدوین شده پژوهش، عملی بودن نتایج نیز باید به عنوان یک شرط، مد نظر قرار گیرد. مهم‌ترین مرحله اجرای فرا تحلیل، بخش خلاصه کردن و در هم آمیختن مطالعات مربوط است. این روش بیشتر گرایش به آن دارد که این بخش بر اساس یک رویکرد کمی شکل بگیرد (از محاسبات ساده گرفته تا محاسبات جمع‌بندی بر مبنای سطوح معناداری یا آزمون‌های وزنی) اما استفاده از روش‌های غیرکمی نیز می‌تواند به نتایج مهمی منتج شود (Jupp, ۲۰۰۶, p. ۱۷۲-۱۷۳). چنانکه این مقاله نیز بر همین اساس استوار است.

۸. تکوین و تدوین اطلس فرهنگی در کشور

شاید نخستین اقدامی که در به‌کارگیری اصطلاح اطلس فرهنگی در ایران رخ داده را اطلس فرهنگی شهر تهران بدانیم که توسط مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر در سال ۱۳۵۵ منتشر گردیده است. در مقدمه این اطلس در باب اهداف و ضرورت‌های ایجاد و تدوین آن آمده است: «ایجاد هماهنگی در طرح‌ها و برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری کشور اولین هدفی است که تحقق آن طبق قانون برعهده شورای عالی فرهنگ و هنر محول شده است.... مسلم است چنین تحقیقاتی علاوه بر آنکه چگونگی توزیع مراکز فرهنگی را معلوم می‌کند و برنامه‌ریزان توسعه فرهنگ را به کار می‌آید، خود، گویای گسترش مراکز فرهنگی در سال‌های گذشته است» (اطلس فرهنگی شهر تهران، ۱۳۵۵، مقدمه) در مقدمه این اطلس آمده است که مراکز فعالیت‌های انسانی چون بررسی شوند هر کدام به نحوی از ارزش‌های فرهنگی برخوردارند و اگر چنین باشد همه‌جا مرز فرهنگی است حتی خانه‌های مردم که اعضای آن ناخودآگاه به مبادله فرهنگ می‌پردازند. چنین توجیهی محقق را در این زمینه به جایی نمی‌رساند» (همان، ۱۳۵۵، مقدمه) لذا با این دغدغه ذهنی، از طریق کنار گذاشتن این رویکرد اصلی، به دسته‌بندی و مشخص نمودن مراکز ذیل در نقشه شهر تهران دست زده‌اند.

جدول شماره ۱- فهرستی از دسته بندی موجود در اطلس فرهنگی شهر تهران در سال ۱۳۵۵

ردیف	مراکز دسته‌بندی شده
۱	سازمان‌های فرهنگی، مراکز آموزش عالی
۲	انجمن‌ها
۳	کاخ‌های جوانان، انجمن‌های روابط فرهنگی
۴	خانه‌های پیشاهنگی، نگارخانه‌ها، باشگاه‌های تفریحی و اجتماعی، کاباره‌ها
۵	مراکز آموزشی
۶	مراکز آموزش هنر
۷	بناهای تاریخی و آثار ملی، کارگاه‌های ملی هنری
۸	اماکن و مراکز دینی
۹	مراکز نشر کتاب، مراکز فروش کتاب
۱۰	کتابخانه‌ها
۱۱	دفاتر نمایندگی خبری
۱۲	نشر مطبوعات، فروش مطبوعات، مصنوعات و هنرهای دستی
۱۳	تولید و تهیه و پخش فیلم، سالن‌های تئاتر، چاپخانه‌ها، موزه‌ها، سینماها، زورخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، مراکز ورزشی، پارک‌ها

در سال ۱۳۸۴ اطلس ایران (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) با همکاری انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران، دانشگاه تهران، دانشگاه پاریس و مرکز گفتگوی تمدن‌ها در حیطه جامعه و فرهنگ ایران تدوین گردید. در این گردآوری مفاهیم و محورهای متعددی در بخش فرهنگ مورد توجه قرار گرفته که سعی شده در قالب اطلس‌هایی از گستره ایران، این شاخص‌ها به نمایش درآمده و مورد استفاده قرار بگیرد. این اطلس با مقایسه داده‌های آماری، به بررسی تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ می‌پردازد. هدف از تدوین این اطلس، ارائه تصویری دقیق و علمی از وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور است که به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه ارائه شده است.

در بخش فرهنگ این اطلس، موارد ذیل (جدول شماره ۲) ذکر گردیده است:

جدول شماره ۲- بخش فرهنگ اطلس ایران، اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی

ردیف	محور موضوعی	اطلس های ارائه شده
۱	فرهنگ اقوام	توزیع قومیت ها
		توزیع سه اقلیت مذهبی غیرمسلمان به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		اقلیت های غیر مسلمان به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		وضعیت سواد جمعیت بالای ۶ سال، به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		رشد باسوادی به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		جمعیت با سواد شهری به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		جمعیت با سواد روستایی به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		تفاوت سواد بین شهر و روستا به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		با سوادی میان زنان روستایی ۵-۱۵ سال به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
		با سوادی میان زنان روستایی ۱۵-۳۰ سال به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
با سوادی در میان زنان روستایی ۳۰-۵۰ سال به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵		
با سوادی در میان زنان روستایی بیش از ۵۰ سال به تفکیک سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵		
آموزش		
۳	سایر فعالیت های فرهنگی	تعداد عضو کتابخانه های عمومی کشور در سال ۱۳۸۰
		میانگین ملی تعداد عضو کتابخانه های عمومی کشور در سال ۱۳۸۰
		تعداد کتاب برای هر عضو در کتابخانه های عمومی در سال ۱۳۸۰
		میانگین ملی تعداد کتاب برای هر عضو در کتابخانه های عمومی در سال ۱۳۸۰
		تعداد کتب به امانت گرفته شده توسط هر عضو در سال ۱۳۸۰
		میانگین ملی تعداد کتب به امانت گرفته شده توسط هر عضو در سال ۱۳۸۰
		ظرفیت صندلی سینما در سال ۱۳۸۰
		میانگین تماشای فیلم در سینما در سال ۱۳۸۰
		تعداد فیلم های نمایش داده شده در سال ۱۳۸۰
		توزیع مساجد در سال ۱۳۸۰
میانگین ملی توزیع مساجد نسبت به جمعیت در سال ۱۳۸۰		

یکی دیگر از این نوع اطلس ها، اطلس دوزبانه ایران که توسط برنارد هورکاد و همکاران ایرانی اش تهیه شده و یا اطلس دیگری توسط برنارد هورکارد^۳ و حبیبی (۱۳۸۵) تهیه شده (هر چند از جنبه فرهنگی فقیرند) اشاره نمود. با تمامی انتقاداتی که به تهیه این نوع اطلس ها می توان وارد ساخت اما همین اطلس ها هم در پرداختن به زندگی فرهنگی و در دستیابی به آمارها دچار مشکلات فراوان هستند و این تناقضات در آمارها به گفته یکی از گردآوران اطلس ایران، به خوبی در این کار نمایان شده است.

۹. مطالعات مرتبط و اطلس‌های فرهنگی

۱- مطالعات هافستد:

«گرت هافستد»^۴ از جمله محققانی است که با توجه به بحث فرهنگ و توجه به اهمیت آن و در نظر گرفتن مفهوم فرهنگ و تلقی از آن به عنوان نرم‌افزار ذهن که آن را از انسان شناسی وام گرفته است، در مدیریت سازمان‌ها توجه بسیاری را به زمینه فرهنگ ملی ابراز داشته است.

او با توجه به نظرات «راس بندیکت»^۵ و «مارگارت مید»^۶ بر این مسئله تأکید داشت که همه جوامع، چه مدرن و سنتی با مشکلات اصلی مشابهی مواجه‌اند و فقط پاسخ‌ها در این حیطه‌ها متفاوت است. ذکر این نکته ضروری است که اولین محققانی که به این مسئله توجه نمودند و آن را مورد بررسی قرار دادند دو آمریکایی به نام‌های «الکس اینکینز»^۷ جامعه‌شناس و «دانیل لوینسون»^۸ روان‌شناس بودند که کار خود را در سال ۱۳۵۴ در مورد ادبیات زبان انگلیسی در فرهنگ ملی منتشر نمودند. آنان مسائل جوامع را شامل موارد ذیل می‌دانستند:

(۱) رابطه با اقتدار.

(۲) مفهوم خود، خصوصاً الف) رابطه بین فرد و جامعه، ب) مفهوم فردی از مردگونی و زن‌گونی.

(۳) راه‌های مقابله با تعارض‌ها، شامل کنترل خشم و بیان احساسات.

بیست سال بعد از این پژوهش، هافستد به بررسی ارزش‌های مردم در ۵۰ کشور جهان و سه منطقه پرداخت که زیرمجموعه‌های محلی از شرکت چندملیتی IBM در سراسر جهان را تشکیل می‌دادند، در این پژوهش نیز هافستد به ابعاد فرهنگی‌ای همانند مطالعه انکینز و لوینسون رسید:

(۱) نابرابری اجتماعی شامل ارتباط با مرجع قدرت؛ فاصله از قدرت: «میزانی که اعضای ضعیف‌تر نهادها و یا سازمان‌ها در یک کشور انتظار و پذیرش قدرتی را دارند که به‌طور یکسان توزیع نشده است. نهادها، عناصراصلی یک جامعه مانند خانواده، مدرسه و اجتماعات هستند؛ سازمان‌ها نیز مکان‌هایی هستند که مردم در آنجا کار

می‌کنند» (هافستد، ۱۳۸۸، ص ۴۶).

۲) ارتباط میان فرد و گروه؛ فردگرایی و جمع‌گرایی: «فردگرایی مربوط به جوامعی است که در آن ارتباط میان افراد محکم نیست. از فرد انتظار می‌رود که در میان خانواده خود فقط به خودش فکر کند. در نقطه مقابل آن، جمع‌گرایی به جوامعی گفته می‌شود که مردم از هنگام تولد در یک گروه در طول زندگی افراد، آنان را در مقابل صداقت و وفاداری بی‌شائبه‌ای که ابراز می‌دارند، محافظت می‌کند» (هافستد، ۱۳۸۸، ص ۸۰).

۳) مفاهیمی چون مردگونی و زن‌گونی؛ مثلاً زن‌گونی یا زن‌گرایی شامل جوامعی می‌شود که نقش‌های جنسیتی از یکدیگر تفکیک نشده و با یکدیگر هم پوشانی دارند، لذا در چنین جامعه‌ای انتظار می‌رود که مردان و زنان معتدل، میانه‌رو و دلسوز باشند و به کیفیت زندگی توجه داشته باشند. اما در مقابل در جامع مردگرا، نقش‌های جنسیتی جامعه به‌طور واضح و مشخص از یکدیگر جدا هستند و انتظار می‌رود تا مردان صریح، قاطع و خشن بوده و به موقعیت‌های مادی بیان‌دیشند و زنان دلسوزتر و معتدل‌تر باشند.

۴) شیوه‌های برخورد با عدم قطعیت و اطمینان در ارتباط با کنترل خشم و بیان احساسات؛ ابهام‌گریزی.

می‌توان این‌گونه تبیین نمود که وی به چهار شاخصه دست یافت که در طیف و گستره‌ای قابل اندازه‌گیری می‌باشند، یعنی: فاصله از قدرت^۹ (از کم تا زیاد)، جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی، زن‌گونی در مقابل مردگونی، و ابهام‌گریزی^{۱۰} (از ضعیف تا قوی).

البته اخیراً هافستد به بعد پنجمی از تفاوت میان فرهنگ‌های ملی دست یافته که مربوط به تعارض میان جهت‌گیری بلندمدت^{۱۱} (پرورش فضیلت‌هایی برای کسب پاداش از حسن عمل در آینده است، به خصوص محافظت از منابع و صرفه‌جویی) با جهت‌گیری کوتاه‌مدت^{۱۲} (پرورش رشد فضیلت در گذشته و حال و خصوصاً از نظر سنتی به معنای حفظ «وجه» و انجام تعهدات اجتماعی) در زندگی است.

هافستد جهت اندازه‌گیری این شاخصه‌ها مجموعه سئوالاتی را برای هر یک طراحی نمود که به صورت تحلیل عاملی^{۱۳}، مرتب شده بودند و آن‌ها را در میان کارکنان شرکت

IBM در ۵۰ کشور و سه منطقه توزیع نمود و به یافته‌های قابل توجهی در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ دست یافت که البته ایران نیز به عنوان یکی از این کشورها در این میان حضور داشته است (هافستد، ۱۳۸۸).

جدول شماره ۳- نمایی از نمرات شاخص‌های چهارگانه در مطالعه هافستد، برگرفته از (هافستد، ۱۳۸۸)

ردیف	نام شاخصه	نمره ایران	رتبه ایران	نام و نمره کشور با رتبه نخست	نام و نمره کشور با آخرین رتبه
۱	فاصله قدرت (PDI)	۵۸	۲۹-۳۰	مالزی/ ۱۰۴	اتریش/ ۱۱
۲	فردگرایی (IDV)	۴۱	۲۴	آمریکا/ ۹۱	گواتمالا/ ۶۷
۳	مردگرایی (MAS)	۴۳	۳۵-۳۶	ژاپن/ ۹۵	سوئد/ ۵
۴	ابهام‌گریزی (UAI)	۵۹	۳۱-۳۲	یونان/ ۱۱۲	سنگاپور/ ۸

۲- پروژه گلوب:

GLOBE مخفف سرحرفی عبارت اثربخشی رفتار سازمانی و رهبری جهانی^{۱۴} است که نام یک طرح تحقیقاتی است که در مدت اجرا، ۶۲ اجتماع را در سراسر جهان درگیر خود نموده بود. در این پروژه بیش از ۱۶۰ دانشمند علوم اجتماعی و محقق مدیریتی برجسته از مناطق مختلف جهان، جهت مطالعه رهبری میان‌فرهنگی مشارکت داشته‌اند. از طرف دیگر، ۱۷ هزار مدیر میانی صنایع و مشاغل مختلف حیطه‌هایی همچون بانک‌داری، ارتباطات از راه دور (مخابرات) و آمادسازی مواد غذایی، در میان ۶۲ فرهنگ متفاوت، مورد پرسش قرار گرفته و داده‌های GLOBE را تشکیل داده‌اند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، مدیران شرکت‌کننده در این پژوهش، جهت گزارش احساساتشان نسبت به عادات فرهنگی و ارزش‌های کشورشان، مورد پرسش قرار گرفتند. آنان به نوعی جریان فرهنگی جوامع خود را به نمایش گذاشتند و با بیان پاسخی به پرسشی در آیت‌های مختلف که چگونه باید باشند؟ آنان در این پرسش‌ها به نوعی امیدها و آرزوهایشان را در مورد آنچه باید باشند را منعکس نمودند.

هدف پروژه^{۱۵} GLOBE به نوعی توسعه تجربی مبتنی بر نظریات جهت توصیف، فهم و پیش‌بینی اثر ویژه تنوع فرهنگی بر روی اثربخشی رهبری و فرهنگ‌های سازمانی در جوامع می‌باشد. گلوب فرهنگ را همچون انگیزه‌های به اشتراک گذاشته شده، ارزش‌ها، اعتقادات، هویت‌ها و تفاسیر و معانی اصلی وقایع که نتیجه تجارب رایج

اعضای گروه‌هایی از مردم است و به وسیله نسل‌های پیشین انتقال می‌یابد، تعریف می‌کند. گلوب نه بُعد را جهت مقایسه فرهنگ جوامع مختلف جهان به سبب و گسترش داده است (Javidan & others, ۲۰۰۵, p. ۶۱).

جدول شماره ۴- توصیفات نه بُعد فرهنگی GLOBE

ابعاد یا شاخصه‌های فرهنگی گلوب	
فاصله از قدرت	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ به وسیله قدرت جدا می‌شوند.
جمع‌گرایی در گروه	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ باید مباحثات کنند و احساس وفاداری به خانواده‌ها، سازمان‌ها و کارفرمایانشان دارند.
جمع‌گرایی نهادی	درجه‌ای که اشخاص می‌بایستی به وسیله مؤسسات یکپارچه با موجودیت گسترده، با تعاون و هارمونی همچون اهداف برتر در برآمد استقلال و آزادی‌های شخصی تشویق شوند.
ابهام‌گریزی	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ فرمانبرداری، ثبات و ساختار را طلب می‌کنند.
گرایش به آینده	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ خشنودی‌های لحظه‌ای را برای منافع آینده به تعویق می‌اندازند.
تساوی جنسیتی	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ از تساوی جنسیتی حمایت می‌کنند.
جرات	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ باید اظهار کنند، مقابله و مبارزه و حمله کنند.
جهت‌گیری انسانی	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ باید لطیف، نوع‌دوستانه، بخشنده، خوب نسبت به دیگران باشند.
جهت‌گیری اجرایی	درجه‌ای که مردم یک فرهنگ باید تشویق شوند و به مردم برای عملکردشان پاداش داده شود.

منبع: (Javidan & others, ۲۰۰۵, p. ۶۲)

۳- مطالعات جغرافیای معرفتی و فرهنگی ایران

در کنار مطالعاتی همچون گلوب و نیز هافستد، مجموعه گفتارها و مطالعاتی که پیرامون ظرفیت‌های معرفتی و فرهنگی ایران، انجام شده نسبت به سایر تحقیقات صورت گرفته می‌تواند بیشترین تقارب را در راستای ترسیم یک وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران و سیاست‌گذاری در این عرصه که به تهیه یک اطلس فرهنگی از کشور منجر شود، دارا باشد. این مطالعات با پیشینه کنکاش‌ها و تحقیقات آلمان‌ها بر ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران آغاز شده (آشنا، ۱۳۸۸) و وجه نظری و گفتاری خود را بیش از پیش در کتاب ایران آینده به سوی الگویی مردم‌شناختی

برای ابرقدرتی ایران که توسط ابراهیم فیاض به نگارش درآمده است، پر رنگ‌تر نموده است. در نظرگاه فیاض، «فرهنگ ایرانی قابل مطالعه است چون فرهنگ در زمان و مکان شکل می‌گیرد و تابعی از این دو است و زمان در تاریخ و مکان در جغرافیا، مطالعه می‌شود» (فیاض، ۱۳۸۷، ص ۳۷). وی جغرافیا را با تاریخ پیوند می‌زند و ظرفیت‌های پنهان ایران را با نگاه مردم‌شناسانه بازگو می‌کند، به نظر او «بایستی جغرافیا را نیز با توجه به تاریخ مطالعه کرد تا از جغرافیای توصیفی خارج و به جغرافیای تفهیمی دست یافت. این جغرافیا بر جغرافیای معرفتی و شناختی و سپس جغرافیای فرهنگی استوار است و به‌طور عجیبی در ایران این نوع نگرش ضعیف و بدون ادبیات است و علت آن نیز شرق زدگی در مطالعه تاریخ و جغرافیای ایران است» (فیاض، ۱۳۸۷، ص ۳۷). فیاض راهکار قدرت‌گیری و تعالی و ابرقدرتی ایران را مردم‌شناسی تاریخی ایران با توجه به جغرافیای فرهنگی و معرفتی و رهایی از جغرافیای وابستگی می‌داند.

با چنین رویکردی ظرفیت‌ها و شاخصه‌های جغرافیای فرهنگی و معرفتی ایران همانند برخی از اشارات وی همانند جدول شماره ۵ نمایان می‌شود که اثبات و مذاقه در این شاخصه‌ها، در راستای یک برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب که بایسته و مقدمات تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور و حتی پیوست‌نگاری‌های فرهنگی به سبب شناخت درست از شرایط و جغرافیای معرفتی و فرهنگی می‌باشد، خود نیازمند پژوهش‌هایی گسترده و مستمر است.

جدول شماره ۵- ویژگی‌های جغرافیای معرفتی و فرهنگی ایران و ارتباط آن با سایر مناطق جغرافیایی جهان؛ برگرفته از (فیاض، ۱۳۸۸، صص ۴۲-۴۴).

ردیف	نام شهر یا منطقه	وجه مشخصه جغرافیای معرفتی و فرهنگی	قابلیت سیاست‌گذاری فرهنگی مناطق جغرافیایی در جهان
۱	اصفهان	قلب معرفتی ایران؛ عقل نظری ایران	
۲	شیراز	شیراز مرکز تلفیق فرهنگ هندی و شرقی با فرهنگ ایرانی؛ نمونه بارز حافظ شیرازی	سیاست‌گذاری شرق و هند
۳	تهران	تلاقی حس‌گرایی خراسان و احساس‌گرایی آذری	

سیاست‌گذاری ناحیه خلیج فارس	بو شهر (با پشتوانه شیراز)	۴
سیاست‌گذاری از کناره دریای عمان و تا یمن و در شرق آفریقای سیاه خاتمه پیدا می‌کند؛ تانزانیا نمونه بارز آن است	شهر آفریقای ایران	۵ بندرعباس
سیاست‌گذاری هند، پاکستان و چین	مرکز مبادله شرق ایران	۶ زاهدان (با پشتوانه کرمان و سیرجان)
مطالعه مناطقی مانند شمال عربستان، عراق عربی، اردن، سوریه عربی، فلسطین، لبنان عربی، مصر و شمال آفریقا	شهر خاورمیانه عربی غیر خلیج فارس	۷ اهواز
سیاست‌گذاری کردستان عراق تا شمال سوریه و جنوب ترکیه و شمال لبنان و شمال آفریقا	حوزه صوفیه و تصوف و مرکز مطالعات غرب ایران	۸ همدان
سیاست‌گذاری ترکیه، بلغارستان و رومانی و دریای بالکان	احساس‌گرایی و مردمی تاجر	۹ تبریز
شهر اروپایی و غربی ایران؛ دروازه غرب در ایران باشد و برای کشورهای ارمنستان، گرجستان و اوکراین تا اروپای شرقی	شهر چند قومی، چند مذهبی و چند نژادی	۱۰ ارومیه
سیاست‌گذاری روسیه (مرکز ثقل مسیحیت در مقابل غرب یهودی)	روسیه در آن ایرانی شده است	۱۱ رشت
سیاست‌گذاری آسیای میانه و شرق خزر	گرگان و بجنورد و قوچان	۱۲
سیاست‌گذاری افغانستان تا شمال چین و ژاپن	مرکز مبادلات فرهنگی غرب و آسیا	۱۳ مشهد

۱۰. نتایج و آثار مطالعات اطلس فرهنگی

۱- مزیت‌ها و قابلیت‌ها

تمرکز و نگرش بر این سه نوع از مطالعه^{۱۶} که مورد اشاره قرار گرفت، ما را به نکاتی چند از مزایا و قابلیت‌ها متوجه می‌نماید، و این در حالی است که اهداف و رویکردهای متفاوتی برای این پژوهش‌ها و مطالعات در نظر گرفته شده است، با این وجود می‌توان این مزایا و قابلیت‌ها را با توجه به رویکردهای مدنظر در این مقاله و پاسخگویی به سؤالات مطرح شده در قالب نمودار زیر به خوبی تبیین نمود.

جدول شماره ۶- مزایا و قابلیت‌های مطالعات مورد اشاره

نام مطالعه	مزایا و قابلیت‌ها	نوع قابلیت و مزایا
مطالعه هافستد	(۱) توجه به تفاوت‌های فرهنگ ملی در نقاط مختلف جهان	نظری
	(۲) تلقی فرهنگ به مثابه نرم افزار ذهن که در محیط اجتماعی افراد نهفته است.	نظری
	(۳) کمک به شناخت اختلافات در تفکرات، احساسات و رفتار مردم در سراسر جهان	نظری - عملی
	(۴) توجه به لایه‌های برنامه‌ریزی ذهنی و سطوح مختلف فرهنگی (همچون سطح ملی، سطح وابستگی منطقه‌ای، قومی، زبانی و یا مذهبی، سطح جنسیت، سطح نسل، سطح طبقه اجتماعی، سطح سازمانی و یا شرکعی)	عملی
	(۵) شناسایی پنج بعد، مقایسه فرهنگ‌های ملی در سراسر جهان (فاصله از قدرت، جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی، زن‌گرایی در مقابل مردگرایی، ابهام‌گریزی، جهت‌گیری بلندمدت در مقابل جهت‌گیری کوتاه مدت)	عملی
	(۶) استفاده از چنین رویکردی، نظام‌های علوم اجتماعی را کمتر دچار ملیت‌پرستی، نژادپرستی و قوم‌پرستی می‌نماید.	نظری
	(۷) امکان یافتن راه‌حلی بر مشکلات سازمانی و ... (رویکرد پیش‌بینانه مبتنی بر داده‌های حاصل از ابعاد فرهنگی هافستد) ^{۱۷}	عملی
مطالعه گلوب	(۱) فهم و تأثیر تنوع فرهنگی بر رهبری و سازمان	نظری
	(۲) تمرکز بر مدیران در کشور های جهان با رویکرد ابعاد فرهنگی هافستد (در چارچوب نظرگاه هافستد)	نظری - عملی
	(۳) توجه به نقاط ضعف و قوت مدیران در گستره فرهنگی و تلاش در جهت آماده‌سازی مدیران برای موقعیت‌های میان فرهنگی	عملی
	(۴) این مطالعه می‌تواند به تهیه نقشه فرهنگی هر کشور بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایش با سایر کشورها در حیطه مورد نظر بینجامد.	عملی
مطالعات جغرافیای معرفتی و فرهنگی ایران	(۱) پیوند میان جغرافیا، تاریخ، فرهنگ و مردم‌شناسی	نظری
	(۲) طرح میان‌رشته‌ای برای بازنگری به مسائل حیطه سیاست‌گذاری فرهنگی	نظری
	(۳) توجه کردن به ظرفیت‌های معرفتی و فرهنگی مناطق مختلف در ایران	نظری
	(۴) توجه به قابلیت‌های توسعه منطقه‌ای در ارتباطات میان فرهنگی	نظری - عملی
	(۵) اصالت دادن به جغرافیای فرهنگی و معرفتی در برابر جغرافیای وابستگی	نظری
	(۶) تبیینی از نحوه سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی	نظری - عملی

۲- اطلس فرهنگی؛ رویکرد کاربردی

برای اینکه بتوان نگاه کاربردی و فعال به مطالعات یاد شده داشت و آن‌ها را با توجه به اهدافی که در این نوشتار و همچنین در جهت سیاست‌گذاری فرهنگی و مفاهیمی چون مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی دنبال نمود، رویکردها و تعاریف ارائه شده از این مفاهیم که در بخش نخست مقاله مورد اشاره قرار گرفته است، نیز به فراتحلیل کاربردی ما جهت می‌دهد، لذا در ذیل خواهیم داشت:

(۱) *ایجاد و تحول در سطوح مختلف سیاست‌گذاری فرهنگی: عمده تغییری که به وسیله این نوع از پژوهش‌ها روی خواهد داد، تقویت و بهبود بخشی به روند یک چرخه سیاست‌گذاری خواهد بود که بر شمردن این مراحل می‌تواند با توجه مفاهیم دخیل گویای موضوع باشد:*

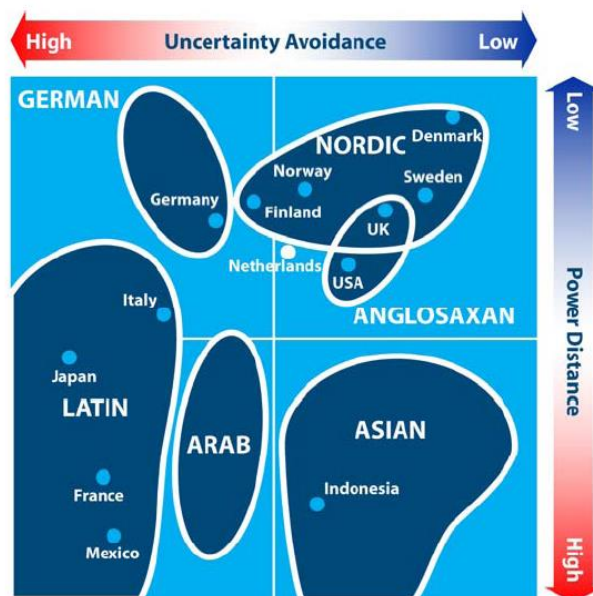
(۲) *بازنگری در سیاست‌گذاری علمی و پژوهشی کشور به‌ویژه علوم انسانی، منطبق با نیازها: در این مورد می‌توان به درگیر نمودن مراکز پژوهشی و دانشگاهی در شناسایی ظرفیت‌های مختلف کشور در امور مختلف و توسعه، از طریق شاخص‌سازی‌هایی مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات در بازه‌های زمانی و تاریخی و مکانی، مبتنی بر نگاه‌ها و رویکردهای بومی اشاره نمود، در این بین نوع مطالعات یادشده و نحوه عمل آن‌ها می‌تواند الگوی مناسبی را در این حیطه فراهم سازد.*

(۳) *شناخت وضعیت موجود فرهنگی کشور: شاید مهم‌ترین کاربردی که بتوان اشاره نمود انجام چنین مطالعاتی در کشور است که با دقت و تمرکز قابل توجه صورت بگیرد، چراکه به نظر می‌رسد که انجام این مطالعات گام‌های اولیه در نگارش نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ارزیابی‌های تأثیرات اجتماعی پدیده‌های مختلف و نیز پیوست‌نگاری باشد.*

(۴) *تحول اساسی در پیوست‌نگاری: این تحولات از دو طریق حاصل می‌گردد؛ نخست، توجه به زمینه‌ها و ابعاد منطقه‌ای و جغرافیایی یعنی تأثیر جغرافیا بر فرهنگ، همان‌گونه که در عنوان جغرافیای فرهنگی اشاره گردید، این حوزه مطالعاتی خواهد توانست بر روند پیوست‌نگاری تغییراتی مهمی را لحاظ نماید، چنانکه «جغرافی دانان فرهنگی معتقدند که کلیت و صورت فرهنگ نمی‌تواند بدون مراجعه به محیطی که در آن شکل گرفته‌اند، کاملاً درک شوند. همین‌طور جغرافی دانان فرهنگی به تجزیه و*

تحلیل‌های زمینی همچون مطالعات آب و هوا، گیاهان، خاک و زندگی حیوانی می‌پردازند و این‌ها را در مطالعات خود وارد می‌کنند، زیرا، این عناصر روی فرهنگ اثر گذاشته و به تشریح الگوهای فرهنگی کمک می‌کنند» (Pitzl, ۲۰۰۴, p.۴۳)؛ به نقل از مهدوی و احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷).

۳) توجه به آینده و طراحی سیستم برنامه‌ریزی: این سطح داده‌ها نیازمند برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی بسیار دقیق جهت به دست آوردن و ترسیم داده‌های مربوط است؛ اما آنچه که مهم به نظر می‌آید، مفید بودن این داده‌ها در گستره زمانی و برای آینده است. تصویر شماره ۲- تقسیم فرهنگ‌های جهان در قالب دو بعد فاصله از قدرت و ابهام‌گریزی



منبع: (Enemark, ۲۰۰۷)

مطابق تصویر شماره ۲، هافستد فرهنگ جهانی را به وسیله دو محور ابهام‌گریزی و فاصله از قدرت به چهار مربع تقسیم نموده است و باید به این نکته توجه نمود که دو بعد یعنی ابهام‌گریزی و فاصله از قدرت، دو بنیان در طراحی سیستم‌های برنامه‌ریزی در هر کشور و قلمرو سرزمینی به شمار می‌روند. و همان‌گونه که نتایج مطالعات هافستد در شکل نمودار ساخته است، اساس و مبنای برنامه‌ریزی بعدی فرهنگی را به خود

می‌گیرد. چنانکه منطقه شمال اروپا با منطقه امریکای لاتین کاملاً متفاوت هستند (Enemark, ۲۰۰۷). این امر، لزوم زمینه‌سازی را جهت طراحی سیستم‌های برنامه‌ریزی در کشور نمایان می‌سازد.

همان‌گونه که پیش از این نیز با تبیین مطالعاتی همچون هافستد و گلوب و با تأکید بر مزایا و کارکردهای این پژوهش‌ها در کنار مطالعات و گفتارهای جغرافیای معرفتی و فرهنگی ایران می‌توان به یک تعریف مناسب از اصطلاح اطلس فرهنگی دست یافت. با این تعریف تبیین‌های موجود که در کارها و فعالیت‌هایی به ویژه اطلس ایران و یا اطلس‌های در حال تهیه از شهرهای مختلف کشور که تنها پدیده‌های جغرافیایی را مدنظر قرار داده‌اند، تغییر خواهد کرد.

با توجه به گفتارهای پیشین می‌توان اطلس فرهنگی ایران را اینچنین تعریف نمود: «ترسیم نتایج مطالعات و پژوهش‌های مربوط به شاخصه‌های فرهنگی (همچون شاخصه‌های پنج‌گانه هافستد) منطبق بر الگوی اسلامی — ایرانی و بر اساس گستره قلمروهای جغرافیای ملی و منطقه‌ای، قومی، زبانی و مذهبی و نیز فرهنگ سازمان‌ها (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) در کنار ترسیم وضعیت تشابهات و تفاوت‌ها با سایر ملل در جهان اسلام و جهان تعریف می‌گردد». بر اساس تعریفی که ارائه شد ابعاد این تعریف از ویژگی‌ها و بایسته‌های زیر می‌بایست برخوردار باشند:

نمودار شماره ۷- ابعاد اطلس فرهنگی

ابعاد	ویژگی‌ها و بایسته‌ها
شاخصه‌های فرهنگی	این نوع شاخص‌ها می‌تواند همچون پژوهشی که میکائیل بوند ^{۱۸} در مورد ارزش‌های چینی (CVS ^{۱۹}) صورت داد در مورد ارزش‌های ایرانی و با روش تحقیقی مشابه صورت گیرد و با شاخصه‌های هافستد مقایسه و شاخص‌های متمایز و مشابه استخراج گردد. البته این کار در سطوح مناطق مختلف کشور نیز می‌تواند انجام شود.
الگوی اسلامی و ایرانی	در این بُعد، توجه بسیار زیاد بر داشته‌ها و مؤلفه‌های هویتی ایران خواهد، چنانکه «هویت هر ملت را باید در تاریخ و جغرافیای آن جستجو کرد؛ چراکه این دو از عوامل مهم هویت ساز هستند. از نظر نیچه نیز فهم هویت، مستلزم

نگاه مبتنی بر زمان و مکان است» (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۴؛ به نقل از مهدوی و احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳) لذا اصطلاح الگوی اسلامی — ایرانی تکیه بر این هویت است که زمینه استخراج برخی از ابعاد جدید را مبتنی بر ریشه‌های تاریخی و ذخایر فرهنگ اسلامی و ایرانی به خصوص متون اسلامی در ترسیم شاخص‌های وضعیت مطلوب کشور قرار داده که در کنار شاخص‌های فرهنگی می‌تواند وضعیت کنونی ما را در رسیدن به چشم‌انداز مناسب فراهم آورد. البته در این میان نباید این گفته را از نظر دور داشت که «به نظر پیر بوردیو^{۲۰} هر فرهنگ غوغایی از رنگ‌ها و صداها ناموزون است، مگر آنکه شما به قواعدی که آن را هدایت و معنی می‌کند، اشراف داشته باشید» (Bourdieu, ۱۹۸۴؛ به نقل از کرنگ، ۱۳۸۳، ص ۶).

این بُعد که بیشتر جنبه تصویری و نمایشی اطلس را جهت ترسیم دنبال می‌کند، تقسیمات کشوری مانند استان‌ها و شهرستان‌ها را در بر دارد و می‌تواند، تصویر روشنی از وضعیت مقادیر شاخص‌های فرهنگی را در جهت به کارگیری در مسیر سیاست‌گذاری در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. البته جغرافیای ایران در گذر تاریخ (در دوره‌های زمانی مختلف) می‌تواند وضعیت تشابهات و تفاوت‌های شاخص‌ها را در گستره بین‌المللی بیشتر نمودار سازد.

این بُعد به نوعی مکمل بُعد جغرافیای ملی است و بر ابعاد جزئی‌تر این جغرافیا در ترسیم اطلس تأکید دارد.

شاخص‌ها بر اساس این بُعد می‌تواند بر اساس پراکندگی اقوام مورد توجه قرار بگیرد.

شاخص‌ها بر اساس این بُعد، تقسیمات زبانی در کشور را محور و قطب تصویری قرار داده است.

پراکندگی‌های مذهبی و ادیان بر اساس شاخص‌ها می‌توانند لایه‌ای دیگر از اطلس فرهنگی را مشخص نمایند.

تاکید این بُعد بر ترسیم اطلسی ویژه‌ای بر اساس شاخص‌های فرهنگی سازمان‌هاست، که به سیاست‌گذاری سازمان‌های مختلف کمک می‌کند (اطلسی نه بر اساس جغرافیای ملی بلکه بر اساس گستره سازمان‌ها در کشور). البته از تلاقی این اطلس با اطلس جغرافیای ملی تفاوت‌ها برای سازمان‌ها در بُعد ملی نیز فراهم می‌گردد.

جغرافیای ملی

منطقه‌ای

قومی

زبانی

مذهبی

فرهنگ سازمانی

جهان اسلام	ترسیم شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخص‌ها (حاصل از تحقیقات) با کشورهای مختلف جهان اسلام، و تأکید بر سیاست‌گذاری در راستای اهداف وحدت اسلامی، از طریق شناسایی شاخص‌هایی که قابلیت نزدیکی و بهبود ارتباطات میان فرهنگی در این عرصه داراست.
جهان	ترسیم قابلیت‌ها و تفاوت‌های مناطق مختلف کشور با گستره جهانی و استفاده از ظرفیت‌های جغرافیای معرفتی و فرهنگی مناطق برای ارتباطات میان فرهنگی با اقصی نقاط جهان.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اهمیت فرهنگ و پیوست فرهنگی در سطوح سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور بهره‌گیری از اطلس‌های فرهنگی به مثابه یکی از شیوه‌های تحلیل در حوزه‌های کلان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی ضروری است. این در حالی است که پیش از این در عرصه سیاست‌گذاری به این بُعد که مورد تأیید جغرافی‌دانان فرهنگی نیز می‌باشد توجه کمتری شده است. به همین دلیل تبیینی از اطلس فرهنگی می‌تواند، گامی مؤثر بر طرح این موضوع در به‌کارگیری جغرافیا با تأکید بر تجارب و نظرگاه‌هایی چون جغرافیای معرفتی و فرهنگی و حتی مطالعاتی همچون هافستد و گلوب که در نگاه نخست شاید از این عرصه دور هستند، باشد.

تاکنون متغیرهای دقیقی از ابعاد فرهنگی در اطلس‌های موجود کشور دیده نمی‌شود و این اطلس‌ها فقط به مشخص کردن امکان و ظرفیت‌های مادی فرهنگی در آن‌ها اکتفا می‌کنند. لذا اطلس فرهنگی در معنایی جدید می‌بایست نمایش‌دهنده شاخص‌های فرهنگی در سطح تغییرات منطقه‌ای و جغرافیا باشد که جنبه‌های معرفت‌شناختی و جغرافیای فرهنگی معنای جدیدی را به آن می‌دهد.

پیوست‌نگاری فرهنگی در مراحل مختلف سیاست‌گذاری از جمله شناخت مسئله، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی به کمک سیاست‌گذاران می‌آید و آن‌ها را در شناخت وضع موجود فرهنگی و پیش‌بینی و آینده‌نگری بخش فرهنگ یاری می‌نماید. همچنانکه در تحقیقات انجام شده ابعاد فرهنگی از سطح خرد تا کلان همچون سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی و بین‌المللی برای این امر به روشنی برای تحلیل‌ها و ارائه نقشه‌های

فرهنگی به کار گرفته شده‌اند.

بنابراین، جغرافیای فرهنگی به وسیله انسان‌شناسی و اغلب با حکم به احیای سنجش چشم‌انداز و پیوستگی مردم به زمین یا احساس مکان، تأثیرات زیادی پذیرفته است (۲۰۰۴, pp.۵-۶, thrift and whatmore) و این شاخه جدید در جغرافیاست که می‌تواند نقطه اتکایی بر لزوم بازتعریف اطلس فرهنگی با توجه به اتخاذ سیاست‌های مرتبط با مهندسی فرهنگی و اجتماعی در کشور باشد.

مطالعات انجام شده در مورد پیوست فرهنگی در سطوح مختلف، محققان حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی را از طریق تأکید بر اطلس فرهنگی و بازنگری در شیوه پیشین توجه به این اصطلاح، را به خود جلب کرده و متخصصان و اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم انسانی را با سؤالات و مسائل واقعی یک واحد ملی، بین‌المللی و یک سیطره چند فرهنگی مواجه کرده تا تفاوت‌ها و تمایزات و اصطلاحات در یک سطح مشخص از یکدیگر تفکیک شوند و مورد استفاده سیاست‌گذاران قرار گیرد. اما پژوهش‌هایی با موضوعاتی چون تعیین شاخص‌ها و ارزش‌های جامعه ایرانی در سطوح مختلف و مقایسه‌های تطبیقی در این عرصه شاید گام‌های دیگری باشند که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، البته شناخت صحیح از ابعاد فرهنگ سازمانی در کشور و تفکیک و مقایسه سازمان‌ها از دیگر عرصه‌هایی هستند که باید بدان‌ها پرداخته شود تا اطلس فرهنگی را به عنوان یک یاری‌رسان مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی به سوی مطلوب راهنما باشد.

یادداشت‌ها

۱. Frank Vanclay
۲. The Electronic Cultural Atlas Initiative (ECAI)
۳. Bernard Hourcade
۴. Geert Hofstede
۵. Ruth Benedict
۶. Margaret Mead
۷. Alex Inkeles
۸. Daniel Levinson

۹. Power Distance
۱۰. Uncertainty Avoidance
۱۱. Long-term Orientation
۱۲. Short-term Orientation
۱۳. Factor Analysis
۱۴. Global Leadership and Organizational Behavior Effectiveness
۱۵. <http://www.thunderbird.edu/wwwfiles/ms/globe/>
۱۶. در کنار مطالعات یاد شده به گروه دیگری از مطالعاتی می‌توان اشاره کرد، به عنوان مثال، مطالعه یان سلمر (Jan Selmer) که سبک مدیریت و ایکینگی را معرفی نموده، و به نوعی تفاوت‌های فرهنگی در ساختار سازمانی را مورد اشاره قرار داده است و یا در مثالی دیگر از این نوع مطالعات، بررسی نگرش‌های کاری و سبک‌های رهبری در کشورهای مختلف و بیان شباهت‌هایی میان فرهنگ‌هاست که فراتر از مرزهای ملی را مورد توجه قرار داده است و به مجموعه یا خوشه‌های فرهنگی یا کشوری شهرت دارد. با این وجود به دلیل آنکه روابط جغرافیا و فرهنگ بیش از پیش در این مقاله مورد توجه ما بوده است، به‌طور مبسوط بدان‌ها پرداخته نشد. البته ذکر این نکته ضروری است که تحقیق اخیر یعنی خوشه‌های فرهنگی تا اندازه‌ای می‌تواند در بحث جغرافیای معرفتی و فرهنگی مورد توجه قرار بگیرد اما از مجال این گفتار خارج است (برای اطلاع بیشتر ن. ک. به: S. Ronen and O. Shenker. (۱۹۸۵). "Clustering Countries on Attitudinal Dimensions: A Review and Synthesis", *Academy of Management Review*, ۱۰(۳). Pp. ۴۳۵-۵۴.)
۱۷. نمونه بارز این قابلیت، مبتنی بر پژوهشی در دهه ۱۹۷۰ است که اون جیمز استیونز (Owen James Stevens) بر اساس ماتریس ابهام‌گریزی و فاصله از قدرت انجام داد. وی با استفاده از آن به مدل‌های سازمانی در ذهن مردم هر کشور پی برد، و در نهایت به چهار مدل ذهنی هرم مردم، ماشین روغن کاری شده، بازار دهکده و خانواده در مواجهه با مسائل سازمانی از سوی ملیت‌ها در یک دسته‌بندی چهارگانه از ماتریس یاد شده، اشاره نمود (شنایدر و لوئی بارسو، ۱۳۸۲، صص ۱۳۷-۱۴۲).
۱۸. میکائیل بوند، اهل کانادا که از سال ۱۹۷۱ در خاور دور زندگی و کار کرده است، در طی پژوهشی، تمایلات فرهنگ چینی را ابتدا با تهیه فهرستی از ارزش‌ها که توسط دانشمندان علوم اجتماعی چین (از هنگ کنگ تا تایوان) به‌دست آورد و سپس پرسشنامه‌ای را تدوین نمود و در اختیار یکصد دانشجو از ۲۳ کشور جهان قرار داد و سپس با مقایسه مطالعات IBM، به بعد جدیدی دست یافت که آن را بعد کنفوسیوس نامید (هافستد، ۱۳۸۸: صص ۲۳۸-۲۴۵).
۱۹. Chinese Value Survey
۲۰. Pierre Bourdieu

منابع

- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۸). *جلسه نقد و بررسی کتاب ایران آینده به سوی الگویی مردم‌شناختی برای ابرقدرتی ایران با حضور دکتر ابراهیم فیاض*، تهران: سالن شهید مطهری، دانشگاه امام صادق (۷)، برگزارکننده: انجمن علمی دانشجویان دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات با همکاری فرهنگسرای قانون.
- احمدی، علی (۱۳۹۱). *کاربرد نقشه‌ها و اطلس فرهنگی در جغرافیای فرهنگی*، بازیابی ۲۳ شهریور، ۱۳۹۱، از <http://culturalgeography.mihanblog.com/post/17>
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). *ارزیابی تأثیرات اجتماعی - فرهنگی در سیاست‌گذاری عمومی: ملاحظات روش‌شناسی*، امامی، سیدمجید، پیوست فرهنگی از مفهوم تا روش، تهران: دانشگاه امام صادق (۷).
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۷). «پیوست فرهنگی: کلید رفع مظلومیت از فرهنگ و احیاء تمدن اسلامی»، *پگاه حوزه*، شماره ۲۳۱.
- بنیانیان، حسن (۱۳۹۱). *پیوست فرهنگی، چیستی و چرایی*، امامی، سیدمجید، پیوست فرهنگی از مفهوم تا روش، تهران: دانشگاه امام صادق (۷).
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *اطلس شیعه*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴). *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳/۱۰/۱۳۸۴*، تهران.
- (۱۳۸۸). *نظام‌نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- زاهد زاهدانی، حسین (۱۳۹۱). *پیشینه و ادبیات نظری و تجربی در حوزه مطالعات جامعه-شناسی کاربردی (ارزیابی تأثیرات اجتماعی)*، امامی، سیدمجید، پیوست فرهنگی از مفهوم تا روش، تهران: دانشگاه امام صادق (۷).
- سیگاروردی و جمعی از همکاران (۱۳۵۵). *اطلس فرهنگی شهر تهران*، تهران: مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۴). *بررسی اثرات اجرای پروژه های گاز بر اجتماعات محلی*، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- شکوئی، حسن (۱۳۷۳). *فلسفه جغرافیا*، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- شنايدر، سوزان سی، و لویی باستر، ژان (۱۳۸۲). *مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها*، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شومر اسمیت، پاملا (۱۳۹۲). *جغرافیای فرهنگی*، ترجمه علی احمدی، تهران: دانشگاه امام صادق (۷).
- طالبیان، سید امیر و عمرانی مجد، عبدالله (۱۳۸۶). «ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های صنعت نفت و گاز»، *فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت*، سال اول، شماره ۱. صص ۱۰۲-۱۲۲.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۵). «هویت‌های فرهنگی قدیم و جدید: رمزگشایی تمدنی و معماری سنتی - مدرن و ملی - فراملی مهستان»، *فصلنامه نامه صادق*، دانشگاه امام صادق (۷)، شماره ۳۰، صص ۷-۴۶.
- غلامی، رضا (۱۳۸۶). «پژوهش در نقشه مهندسی فرهنگی»، *زمانه*، شماره ۵۸.

- فرامرزی قراملکی، احمد (۱۳۸۰). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: انتشارات علوم اسلامی رضوی.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۷). *ایران آینده به سوی الگویی مردم‌شناختی برای ابرقدرتی ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- قاضی طباطبائی، محمود، و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹). *فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- قربانی زاده، وجه الله، و نانگیر، سید طه حسن (۱۳۹۲). *راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم افزار ۲ CMA*، تهران: جامعه‌شناسان.
- کرنج، مایک (۱۳۸۳). *جغرافیای فرهنگی*، ترجمه مهدی قرخلو، تهران: سمت.
- کوثری، مسعود، نجاتی حسینی، محمود. و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۶). *توسعه فرهنگی تهران (برنامه‌ریزی محله‌ای)*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- کی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۸۶). «رصد فرهنگی مقدمه مهندسی فرهنگی»، *دوماهنامه مهندسی فرهنگی*، شماره ۳، صص ۶-۹.
- لشکری تفرشی، احسان، و احمدی، سیدعباس (۱۳۹۵). *اصول و مبانی جغرافیای فرهنگی: با تأکید بر جغرافیای فرهنگی ایران*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- مهدوی، مسعود، احمدی، علی (۱۳۹۰). «جغرافیای فرهنگی؛ تبیین نظری و روش‌شناختی: کاربرد در مطالعات نواحی فرهنگی»، *تحقیقات فرهنگی*، سال دوازدهم، شماره ۱۳، صص ۱۵۵-۱۸۳.
- هافستد، گرت (۱۳۸۸). *فرهنگ‌ها و سازمان‌ها: نرم‌افزار ذهن: همکاری‌های میان فرهنگی و اهمیت آن برای بقا*، ترجمه سیدمحمد اعرابی، سیدهاشم هدایتی، و مجید محمودی، تهران: نشر علم.
- Bourdieu, Pierre. (۱۹۸۴), **Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste**. Transe. R. Nice. Routledge: London.
- Burdge, Rabel. J. & Vanclay, Frank. (۱۹۹۶), **Social Impact Assesment: A Contribution to the State of the Art Series**. Impact Assesment and Project Appraisal, Vol. ۱۴, Pp۵۹-۸۶.
- Electronic Cultural Atlas Initiative**. (n.d.). Retrieved August ۸, ۲۰۱۲, from Wikipedia, the free encyclopedia: http://en.wikipedia.org/wiki/Electronic_Cultural_Atlas_Initiative
- Enemark, Stig. (۲۰۰۷), **Integrated Land-Use Management for Sustainable Development**, International Federation of Surveyors.
- Glasziou P, Irwig L, Bain C and Colditz G (۲۰۰۱), **Systematic Reviews in Health Care: A Practical Guide**, Cambridge University Press, Cambridge.
- Javidan , Mansour., Stahl, Gu`nter K., Brodbeck, Felix., & Wilderom, Celeste P.M (۲۰۰۵). "Cross-border transfer of knowledge: Cultural lessons from Project GLOBE", *Academy of Management Executive*, Vol. ۱۹, No. ۲, pp ۵۹-۷۶.
- Jupp, Victor (۲۰۰۶), **The SAGE Dictionary of Social Research Methods**, London: SAGE Publications
- Pitzl, Gerald R. (۲۰۰۴), **Encyclopedia of human geography**, Greenwood Press, United State of America.
- Sadler, Barry, Verocai, Iara, Vanclay, Frank (۲۰۰۰), **Environmental and Social Impact assessment for Large Scale Dams Prepared for the WCD**.
- Thrift, Nigel. & Whatmore, Sarah (۲۰۰۴), **Cultural Geography: Critical Concepts in the Social Sciences**, London: Routledge.

اطلس فرهنگی ایران؛ مؤلفه محوری در پیوست‌نگاری و مهندسی فرهنگی ۱۶۵

Vanclay, Frank (۲۰۰۰), **Social Impact Assessment, Social Impact Assessment**, Center for Rural Social Research, Charles Stuart University, Australia.

